

علم اصول الفقہ

۲۵

۶-۹-۱۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مہدی المادوی الطہرانی

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- اوایل قرن یازدهم یعنی دوران صاحب معالم، شخصیتی ظهور کرد که تأثیری در علم اصول داشت. هر چند این تأثیر، یک تأثیر منفی بود، اما در ادامه، تبدیل به یک جریان مثبت شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری‌گری

- این شخصیت یعنی امین استرآبادی که ده سال بعد از صاحب معالم از دنیا رفته است، با ارایه‌ی آرای جدید (اخباری‌گری) باعث گردید اصول در جریان تحولات جدید قرار گیرد و بحث‌هایی طرح شود که تا آن زمان کمتر مطرح گشته بود. وی اخباری‌گری را به عنوان یک مذهب و مکتب در مباحث فقهی مطرح کرد.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- قبلاً بیان کردیم که شیخ طوسی در مبسوط، حال علمای زمان خویش را وصف نمود و گفت: آنها به ظاهر حدیث اکتفا می کنند و اگر لفظ مسأله‌ای تغییر کند، آنها تعجب نموده آن را نمی فهمند.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- عبارات شیخ طوسی، سطح فقاہت علمای زمانش را بیان می کرد. از آن دوره به اخباری گری **کهن** یاد می کنیم. بعد از گذشت تقریباً شش قرن، امین استرآبادی (متوفای ۱۰۲۱) اخباری گری **نوین** را پایه ریزی کرد و باعث گسترش مکتب اخباری در اواخر قرن یازده و در طول قرن دوازده شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- مکتب اخباری حمله‌ی جدی نسبت به علم اصول داشت. خود امین استرآبادی از تعابیر بسیار تند در مورد اصولی‌ها و به قول خودش مجتهدان استفاده می‌کرد و بسیاری مسلمات بحث‌های اصولی آن زمان را به عنوان بدعت در دین می‌دانست. برخی از آنها عبارتند از:

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- ۱- از گذشته همواره ادله‌ی احکام را چهار تا می‌دانستند: کتاب، سنت، عقل و اجماع.
- امین استرآبادی ادعا کرد دلیل بودن عقل و اجماع بدعتی در دین است.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- ۲- از اولین آثار اصولی به بحث اجتهاد و تقلید پرداخته شده و در قدیمی ترین کتاب های اصولی به این بحث اشاره شده است.
- امین استرآبادی ادعا کرد طرح اجتهاد و تقلید و مجتهد خواندن یک عده و مقلد خواندن دیگران از بدعت هایی است که اصولی ها راه انداخته اند.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- ۳- امین استرآبادی شمشیر خویش را متوجه فقها و اصولی های قبل از خودش کرد و ادعا نمود آنچه مطرح می کند نظریه ای جدیدی نیست و این همان نظریه ای است که فقهای شیعه به آن پای بند بودند ولی بعدها مورد غفلت واقع شده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- او اصرار بر اثبات اخباری بودن کسانی چون کلینی و صدوق داشت و خود را نیز با اخباری گری کهن در یک ردیف معرفی می کرد. وی کلام علامه حلی را که از عده ای از علمای امامیه به اخباری یاد می کرد، شاهی بر مدعی خویش می دانست.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- در حالی که باید توجه داشت اخباری گری کهن یعنی دوران مرحوم کلینی و صدوق با اخباری گری نوین یعنی زمان استرآبادی و بعد از او، کاملاً متفاوت است. اخباری گری کهن یک امر طبیعی بود. سطح علمی روزگار مرحوم کلینی و صدوق بیش از اکتفا به ظاهر نصوص را اقتضا نمی کرد. در نزد آنها تفریعات کمتر مطرح می شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- کتاب‌های اولیه‌ی فقهی بسیار به کتاب حدیث نزدیک بودند. کتاب پدر مرحوم صدوق که یک کتاب فقهی بود، عین متن احادیث را در بر داشت تا آنجا که مرحوم صدوق اگر در مسأله‌ای روایتی نمی‌یافت، به کتاب پدر خویش مراجعه می‌کرد؛ زیرا اعتقاد داشت هر چه در آنجا گرد آمده، متن یک حدیث بوده است. شیخ طوسی نهایی‌ی خویش را بر همین اساس نوشت.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- این سطح از فقاہت توسط شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی رشد چشم گیری یافت. مبسوط با نهایه به لحاظ گسترش مباحث و وجود تفریعات، اصلاً قابل مقایسه نیست. این اختلاف سطح حتی در خود کتاب های شیخ طوسی وجود دارد.

فصل چهارم: ظهور اخباری‌گری

- اما اخباری‌گری نوین و ادعای پیمودن راه سلف صالح در روزگاری طرح می‌شود که سال‌ها از مباحث اصولی گذشته است. مباحث اصولی و فقهی گسترش و رشد یافته و کتاب‌های مفصل فقهی مثل تذکره، مختلف، منتهی به عرصه‌ی وجود آمده‌اند.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- کلام علامه حلی نیز به تعبیر شهید صدر، بیانگر همان تفکر فقهی است که در زمان شیخ طوسی وجود دارد و شیخ از آن تفکر در مبسوط خود یاد کرده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- این مسأله، مورد توجه علمای پیشین هم قرار گرفته و آنها بر تفاوت این دو تأکید کرده‌اند. شیخ محمد تقی اصفهانی (متوفای ۱۲۴۸ هـ. ق) در کتاب هدایة المسترشدين به تفاوت اخباری گری نوین و قدیم و سطح فکری علمای آن زمان می‌پردازد و می‌گوید: فرق اخباری‌های گذشته با اصولی‌ها در این بود که اخباری‌ها به متن حدیث اکتفا می‌کردند و تفریعات چندانی در مباحث فقهی آنها دیده نمی‌شد. اما اصولی‌ها بحث‌شان را مفصل‌تر و با فروعات بیشتر مطرح می‌کردند. علت این اختلاف ضعف اخباری‌ها به لحاظ توانایی‌های استنباط بود.

فصل چهارم: ظهور اخباری‌گری

- بنابراین درست است که در دوران اخباری‌گری نوین نیز اطلاعات اخباری‌ها ضعیف بود و حتی خود امین استرآبادی اطلاعات کمی داشت، اما زمانه، زمانه‌ی امکان یافتن اطلاعات است. منابع فراوان اصولی و فقهی در اختیار علما بوده است. پس مشکل اخباری‌گری نوین، مشکل اخباری‌گری کهن نبود و بین آنها تفاوت وجود داشت.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- صاحب حدائق، شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ هـ. ق یعنی حدود ۱۶۰ سال بعد از امین) که خودش به عنوان فقیه اخباری مطرح است و گرایش اخباری دارد، بر ظهور اخباری گری به عنوان یک مذهب در زمان امین استرآبادی اعتراف می کند و می گوید: در گذشته ی شیعه، شاهد محدثان و مجتهدان هستیم؛ محدثانی چون کلینی و صدوق و مجتهدانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی. اما بین آنها اختلاف و جنگی که امروز مشاهده می کنیم، نمی بینیم. این اختلاف و جنگ توسط امین استرآبادی ایجاد شده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- صاحب حدائق در احوال خود عباراتی این چنین دارد: من مذهب اخباری ها را داشتم اما وقتی تأمل و دقت کردم و بحث هایی با علمای اصولی داشتم (و مراد او بحث هایش با وحید بهبهانی است)، به این نتیجه رسیدم که نمی توان از این مکتب تبعیت نمود.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- از این روی صاحب حدائق خودش را اخباری نمی داند. وی در دلیل این ادعا می گوید: مکتبی که اخباری ها به راه انداختند، نتیجه ای جز حمله به علمای بزرگ گذشته ندارد.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- صاحب حدائق هر چند از امین استرآبادی با احترام یاد می کند، اما معتقد است او در حمله به شخصیت های گذشته خطا کرده است. از جمله علمای مورد نظر او، علامه ی حلی است که از وی به عنوان «آیه الله علامه» یاد می کند. علامه ی حلی در نگاه صاحب حدائق شخصیتی است که زحمات فراوان برای گسترش، معرفی و تثبیت ارکان مکتب تشیع کشیده و دیگران حق ندارند او و امثال او را به عنوان بدعت گذار و شخص خارج از دین معرفی نمایند.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- بحث‌های امین استرآبادی باعث گردید در دوره‌های علمای اخباری کتاب‌های اصول را به عنوان کتاب ضلال تحریم و داشتن این کتب را مثل کتاب‌های ضد دین، نشانه‌ای از کفر و الحاد معرفی نمایند. حتی نقل کردند شخصیت‌های بزرگی از اخباری‌ها، کتاب‌های اصول را با انبر بر می‌داشتند تا مبادا دستشان نجس شود.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- . ربک: شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۳۷؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۶ - ۷۷.
- . ربک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۶ - ۸۲.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۳۷.
- . بحثی که در ادامه، در تاریخ معاصر به فقه کشیده شد و جایگاه اصلی خودش را یافت.

فصل چهارم: ظهور اخباری گری

- . ر.ک: محمد امین استرآبادی، الفوائد المدنیة، صص ۴۳- ۴۴؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۰.
- . چه همان گونه که قبلاً گفتیم اول دانش حدیث شکل گرفت و بعد کم کم فقه و بعد دانش های دیگر به شکل استقلالی مطرح شدند و علوم مختلف به تدریج خودشان را از حدیث جدا کردند. این مطلب در مورد کلام و فقه هر دو صادق است.
- . ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۰ - ۸۱.
- . ر.ک: شیخ محمد تقی اصفهانی، هدایة المسترشدين، ص ۴۸۳، سطر ۳۱؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۱ - ۸۲.
- . صاحب حدائق در مقدمه ی مفصل کتاب خود که در واقع بیانگر نظرات وی در زمینه ی اصول فقه است، به این مطلب اشاره می کند. این مقدمه حدود ۱۷۰ صفحه است. ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، صص ۱۶۹ - ۱۷۰.
- . ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۶۷.
- . ر.ک: ابو علی، منتهی المقال، ترجمه ی وحید بهبهانی؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۱۲۲.

خصوصیت بارز اخباری گری

- اخباری ها عقل و اجماع را به طور کلی انکار می نمودند. در نظر آنها مراجعه به عقل و اجماع در مسایل شرعی و احکام فقهی بدعت در دین بود. بدین ترتیب از چهار منبع استنباط فقط قرآن و سنت را پذیرفتند.

خصوصیت بارز اخباری گری

- قرآن هم در دیدگاه اخباری، فقط برای «من خوطب به» حجت است که اهل بیت علیهم السلام هستند، و دیگران حق مراجعه‌ی مستقیم به قرآن را ندارند. استفاده‌ی غیر معصوم از قرآن منحصرأً به تفاسیری که ائمه علیهم السلام در زمینه‌ی قرآن دارند، محدود می‌گردد.

خصوصیت بارز اخباری گری

- با این وصف، بر خلاف گذشتگان که چهار منبع برای شناخت احکام معرفی می نمودند، فقط به یک منبع، یعنی حدیث و سنت، و آنهم به ظاهر حدیث و سنت، اکتفا کردند و بقیه منابع را یا به طور کلی مردود دانسته و منکر شدند، یا حجت آن را برای خواص پذیرفتند.

خصوصیت بارز اخباری گری

- بنابراین می توان اکتفا به ظواهر حدیث را از مشخصه های اصلی اخباری گری قلمداد نمود.

خصوصیت بارز اخباری گری

- اکتفای به یک منبع، انکار عقل و اجماع و منع مراجعه‌ی به قرآن برای عموم، نتایجی را در پی داشت:

خصوصیت بارز اخباری گری

- ۱- همان گونه که در رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی نیز آمده است، آنها در شبهات تحریمی بدوی قایل به احتیاط شدند، در حالی که اصولی‌ها قایل به برائت بودند.

خصوصیت بارز اخباری گری

- ۲- از آنجا که در گمان اخباری ها اجتهاد در نزد اصولی ها، همان اجتهاد به رأی در منظر اهل سنت بود، به شدت با اجتهاد مخالفان کردند و نظریه‌ی اجتهاد و تقلید را رد نمودند.

خصوصیت بارز اخباری گری

- این مخالفت در ادامه، آثار بدی بر جای گذارد. چرا که انکار مجتهد بودن یک عده و مقلد بودن عدهی دیگر، باعث گردید هر کس توان مراجعہی مستقیم به روایات برای فهم احکام را داشته باشد.

خصوصیت بارز اخباری گری

- کم کم این تفکر به این سطح رسید که لازم نیست شخص مراجعه کننده عربی بلد باشد؛ زیرا می تواند به جای مراجعه به متن روایت از ترجمه‌ی آن بهره گیرد. بدین ترتیب فهم دین بسیار آسان می نمود. هر کسی در هر مسأله‌ای می توانست حتی بدون مراجعه به خود روایت، از ترجمه‌ی آن برای فهم حکم خویش کمک بگیرد؛ در عین حال لازم نبود با رجال با عام و خاص و مطلق و مقید آشنا باشد یا از ویژگی‌های روایات و میزان استفاده‌ی از آنها آگاه گردد.

خصوصیت بارز اخباری گری

- می توان علت این نوع طرز تفکر در بین اخباری ها را، پایین بودن سطح علمی آنها دانست. میزان تسلط اخباری ها و اطلاعات آنها در زمینه ی علوم دینی، متأسفانه کم بود.

خصوصیت بارز اخباری گری

- حتی شخصیت بزرگی مثل صاحب حدائق که شخصیت بزرگواری است و همواره باید احترام او را حفظ نمود، با این همه، اطلاعاتش در برخی زمینه‌ها آن قدر کم است که انسان تعجب می‌کند. او صاحب کتاب ارزشمند حدائق است و محقق است که شیخ انصاری به آثارش مراجعه می‌کند و از آنها استفاده می‌نماید. او شخصیتی است که در سخت‌ترین شرایط، کار علمی خود را رها نکرده و کتاب حدائق خویش را در شرایط نامناسب مادی به رشته تحریر در آورده است.

خصوصیت بارز اخباری گری

- اما علی رغم همه‌ی اینها نمونه‌هایی در آثارش، بیانگر پایین بودن سطح علمی او در برخی زمینه‌ها است. مثلاً در مقدمه‌ی حدائق می‌نویسد: افلاطون گفته است عیسی علیه السلام برای مردم ضعیف العقل پیامبر بود و من پیامبر عقلاً هستم. حال آنکه افلاطون سه قرن و نیم قبل از عیسی از دنیا رفته و اصلاً عیسی را ندیده است تا چنین عبارتی را در باره‌ی این پیامبر الهی داشته باشد. آن قدر اطلاعات صاحب حدائق ضعیف است که نمی‌داند افلاطون کی بدنیا آمده و کی از دنیا رفته است؟ یا مثلاً در بحث دیگری می‌نویسد: من شنیدم بعضی گفته‌اند: زمین کروی است؛ اما مگر می‌شود زمین کروی باشد؟ اگر چنین باشد نماز و روزه بهم می‌خورد؟!!!

خصوصیت بارز اخباری گری

- این حال فقیه بزرگی چون صاحب حدائق در میان اخباری ها است. سطوح پایین تر از این نیز در بین اخباری ها فراوانند؛ جماعتی بی-سواد! که خود را اخباری می نامند.

خصوصیت بارز اخباری گری

- امین استرآبادی که سلسله جنبان این حرکت است، اطلاعاتش آن قدر ضعیف بود که نفهمید مقصود از عقل در نزد فقها چیست و اجتهاد چه معنایی در نظر مجتهدان دارد. همان گونه که در صفحات آینده بیان خواهیم نمود تصور آنها این بود که علم اصول نوعی بی-دینی و سنی گری و در افتادن با وحی و تعبد است و همین مطلب کاملاً بیانگر میزان اطلاعات آنها است.

خصوصیت بارز اخباری گری

- کتاب معروف امین استرآبادی یعنی الفوائد المدنیة که اسم کامل آن الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد می باشد، در همین زمینه یعنی رد اجتهاد و تقلید نوشته شد.

خصوصیت بارز اخباری گری

- جریان اخباری گری، فرقه‌های زیادی در شیعه ایجاد نمود. شیخیه یکی از فرقه‌های نشأت گرفته از این جریان بود.

علت بروز اخباری گری

- شهید سید محمد باقر صدر عواملی را برای پیدایش اخباری گری نام می برد:

علت بروز اخباری گری

- ۱- اخباری ها اصلاً مفهوم علم اصول را نفهمیده بودند و با اندیشه‌ی عناصر مشترک آشنا نبودند. نمی دانستند اصول به چه کار می آید و عناصر مشترک چه جایگاهی در استنباط دارد. به همین دلیل گمان کردند اصول باعث دور شدن از تعبد و نصوص شرعی می شود.

علت بروز اخباری‌گری

- ۲- چون اهل سنت به لحاظ تاریخی در تألیف علم اصول مقدم بر شیعه بودند، اخباری‌ها گمان کردند که دانش اصول یک دانش سنی است و با مکتب اهل بیت علیهم السلام سازگار نیست. در نظر آنها اصول شیعه با توجه به تبعیت از روش اصول سنی، چارچوب سنی یافته است.

علت بروز اخباری گری

- شهید صدر دو چیز را باعث تقویت این دیدگاه بر می شمارد:

علت بروز اخباری گری

- أ- وجود شخصیت‌هایی مثل احمد بن جنید اسکافی که از فقهای قبل از شیخ مفید است و آثاری از او به ما نرسیده است: آرا و فتاوای ابن جنید در بعضی مسایل به آرا و فتاوای اهل سنت شبیه است و در استفاده از مبانی سنی شهرت یافته است. برخی او را که در ابتداء سنی بود و بعد شیعه شد، قیاسی می‌شمرند.

علت بروز اخباری گری

- ب- وجود بعضی کلمات و اصطلاحات رایج در فرهنگ سنی، در علم اصول: اخباری ها مشاهده می کردند اصطلاحاتی که در نزد اصولی ها به کار می رود، همان اصطلاحات اهل سنت است. از جمله ی آنها کلمه ی اجتهاد بود.

علت بروز اخباری گری

- ۳- اخباری ها معتقد بودند اگر کسی عقل را به عنوان دلیل حساب کند، معلوم است پای بند به دین و وحی و تعبد نیست. در واقع اخباری ها با عقل و استفاده از آن مخالف بودند.

علت بروز اخباری‌گری

- این سه عامل، عواملی هستند که شهید صدر در علت ظهور اخباری-گری بیان نموده است؛ اما ظاهراً عمده‌ترین دلیل در پیدایش نهضت اخباری، نگاه منفی اخباری‌ها نسبت به عقل است که شهید صدر به عنوان عامل سوم مطرح کردند.

علت بروز اخباری گری

- درست است که اخباری ها با عمق مباحث اصولی آشنا نبودند و لاقلاً اطلاعات بعضی از آنها در این مباحث خیلی قوی نبود، اما به عناصر مشترک توجه داشتند و جایگاه و نقش اصول را در استنباط می دانستند.

علت بروز اخباری گری

- آنها آگاه بودند که فقیه برای استنباط نیازمند قواعدی است که اختصاص به باب خاصی از ابواب فقه نداشته باشد. از این روی بعضی اخباری‌های محقق اقدام به تألیف کتبی کردند که نوعی کتاب اصولی است.

علت بروز اخباری گری

- البته چون اخباری بودند، کتاب‌های اصولی آنها بر مبنای اخباری نوشته شده است. یکی از ویژگی‌های این کتب، اصرار مؤلفان آن بر روایات است. اخباری‌ها ادعا می‌کردند که اصول خود را از ائمه علیهم السلام به دست می‌آوردند. ما از همین به **اصول اخباری گری** (نوعی اصول مبتنی بر نگرش اخباری) تعبیر می‌کنیم.

علت بروز اخباری گری

- یکی از اقداماتی که اخباری ها در این زمینه انجام دادند، استخراج قواعد اصولی از کلمات ائمه علیهم السلام و در نتیجه به وجود آمدن برخی کتب روایی در این زمینه بود. آنها سعی می کردند از غیر از منابع روایی تا حد ممکن برای بحث استفاده نکنند.

علت بروز اخباری گری

- تألیفات زیر را می توان از جمله این اقدامات نگرش اخباری بر شمرد:
- الفصوص المهمه فی اصول الأئمه تألیف شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴).
- الاصول الاصلية تألیف ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱).

علت بروز اخباری گری

- تألیفات دیگری هم وجود داشت که به شکل دیگری بیانگر اصول اخباری بود و در آنها فقط به روایات اکتفا نمی شد.
- فوائد مدنییه امین استرآبادی و مقدمه‌ی کتاب حدائق الناظره نوشته‌ی مرحوم بحرانی (متوفای ۱۱۸۶) از جمله‌ی این کتب است. صاحب حدائق در مقدمه‌ی نسبتاً طولانی، حدود ۱۷۰ صفحه، اساس اصولی خود را که در واقع اصول اخباری گری است، بیان می کند.

علت بروز اخباری گری

- از سوی دیگر گاهی در کلمات اخباری‌ها، کلمه‌ی اجتهاد را می‌بینیم، مثل تعبیری که مجلسی دوم، صاحب بحار الانوار، در کتاب مرآة العقول دارد. در آنجا مجلسی می‌گوید: ما نیاز به اجتهاد داریم. اجتهادی که اخباری‌ها می‌گویند، اجتهاد مبتنی بر نگرش اخباری است و آنها منکر استنباط به طور کلی نیستند.

علت بروز اخباری‌گری

- ویژگی اصول اخباری‌ها، تکیه‌ی این اصول بر مباحث نقلی، اختصار مباحث، عدم ورود در بحث‌های تطبیقی با مذاهب دیگر و حذف بخش‌هایی است که به اعتقاد اخباری‌ها، ارزش ندارند مثل بحث‌های عقلی که اخباری‌ها با آن مخالف بودند.

علت بروز اخباری گری

- بنابراین اینطور نبود که اخباری ها اصول را شناسند. به هر حال آنها هم احساس می کردند که برای استنباط نیازمند قواعد مشترکی هستند که مربوط به باب خاصی نباشد. پس دلیل و عامل اول شهید صدر را چندان نمی توان پذیرفت.

علت بروز اخباری گری

- اما در مورد عامل دوم، درست است اخباری ها علم اصول را سنی می دیدند اما تنها دلیل آنها برای روی آوردن به اخباری گری این نبود که سنی ها مقدم بر شیعه در اصول کتاب نوشتند و برخی علمای اصولی مثل احمد بن حنبل اسکافی فتاوایی همچون فتاوی اهل سنت داشتند و اصطلاحات اصولی ها همانند اصطلاحات اهل سنت است؛

علت بروز اخباری گری

- بلکه نکته‌ای که باعث گمان بد اخباری‌ها نسبت به اصولی‌ها شد و باعث گردید اصول آنها را اصول سنی بخوانند و احساس کنند که آشنایی با علم اصول باعث دوری از مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌شود، یکسان بودن شیوهی بحث علمای شیعه در مباحث اصولی با شیوهی بحث علمای سنی بود.

علت بروز اخباری گری

- در خیلی مسایل و بحث‌ها روش یکی بود اگر چه ممکن بود در نتایج با هم تفاوت داشته باشند. آن روشی که اخباری‌ها بین اصول سنی و اصول شیعه مشترک می‌دیدند، روش عقلی بود.

علت بروز اخباری گری

- با این وصف عمده ترین دلیلی که در پیدایش اخباری گری می توان بر شمرد، نفی عقل توسط آنها است و عامل دوم نیز به نحوی نتیجه ی همین عامل است. آنها با اصول شیعه مخالفت می کردند چون معتقد بودند این اصول شبیه اصولی است که در نزد سنی ها است و مبتنی بر مباحث عقلی است.

علت بروز اخباری گری

- امام خمینی در رساله‌ی اجتهاد و تقلید، علت پیدایش این دیدگاه منفی را نسبت به عقل (و یا به تعبیری نسبت به اصول)، افراط اصولی‌ها در بحث‌های اصولی و وارد کردن بحث‌های بی‌فایده برای استنباط احکام در اصول فقه، می‌داند.

علت بروز اخباری گری

- در نظر امام خمینی شیوهی بحث بعضی علمای اصول در مباحثی که فایدهی چندانی نداشت، شبیه شیوهی اهل سنت بود. از این روی اخباری ها احساس کردند که اگر این روال ادامه یابد، شیعه از نصوص و مکتب اهل بیت علیهم السلام دور خواهد شد و آن موقع خطر جدی متوجه شیعه خواهد بود. بر همین اساس عکس العمل نشان داده و با کل روش اصولی به مخالفت پرداختند.

علت بروز اخباری گری

- در آینده خواهیم گفت که اصول در قیاس استنباط به آن بخشی می پردازد که اختصاص به باب خاصی از ابواب فقه ندارد. و خواهیم گفت که در هر مسأله از مسایل فقهی ما نیازمند یک سری ادله‌ی خاص و یک سری ادله‌ی عام مشترک (مشترک بین این مسأله و سایر مسایل) هستیم، آن بخش عام بر عهده‌ی اصول است، اما معنایش بی‌نیازی از مباحث و استنباط‌های فقهی نیست. پس بهره‌گیری از اصول به معنای کامل بودن همه‌ی دلیل استنباط نمی‌باشد.

علت بروز اخباری گری

- . آرای ابن جنید در لابه لای آثار دیگران وجود دارد و اگر چیزی از او داریم همان است که دیگران از او نقل کرده اند.
- . البته این تهمتی است که به وی می زنند؛ چون یکی از آثار این فقیه که در زندگی نامه ی او ثبت گردیده، رد بر قیاس می باشد.

علت بروز اخباری گری

- . ربك: سيد محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۷ - ۷۹.
- . ربك: سيد محسن امين، اعيان الشيعة، ج ۱.
- . ربك: امام خميني، الرسائل، رسالة الاجتهاد و التقليد، ص ۹۷.